

**A New Edition Which Is Not So New:
A Critique on the Most Recent “Edition” of
Avicenna’s *Dānešnāmeḥ-ye ‘Alāyī***

Hanif Amin Beidokhti*

Abstract

Here, I examined the most recent “edition” of Avicenna’s *Dānešnāmeḥ-ye ‘Alāyī* published by Mawlā Publishing house. With this aim, I provided an overview of the editorial and publishing genealogy of the *Dānešnāmeḥ*, and then of Mawlā’s edition. I considered a number of errors and shortcomings exhibited by the latter, whilst acknowledging some of its merits. Identifying certain systematic flaws in the editorial techniques that inform Mawlā’s edition, on the one hand, and a structural mistake that has entirely ruined one of the main philosophical innovations of the *Dānešnāmeḥ*, on the other hand, I detected that Mawlā’s “edition” is an unprofessional reprint of the previous editions done by Mo‘īn, Meškāt and Bīneš. I observed that the long preface to the text bears no relation to the *Dānešnāmeḥ*, and provides scholars with no useful insight into either Avicennan philosophy or the *Dānešnāmeḥ*. Concluding that Mawlā’s “edition” is woefully lacking, I suggest that it has no advantage over the previous *standard* editions.

Keywords: Avicennan Philosophy, Critical Review, Avicenna Scholarship, Textual Genealogy, Textual Criticism, Critical Introduction.

* Postdoctoral Researcher (Fritz Thyssen Fellow), Ludwig-Maximilians-Universität München, Munich School of Ancient Philosophy, Munich, Germany, Hanif.Aminbeidokhti@campus.lmu.de

Date received: 15/09/2021, Date of acceptance: 22/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست:

بررسی انتقادی واپسین چاپ دانش‌نامه علایی:

منطق، طبیعیات، موسیقی، الهیات

حنیف امین بیدختی*

چکیده

در نوشته پیش‌رو واپسین چاپ دانش‌نامه علایی ابن سینا را بررسی می‌کنم که به‌همت انتشارات مولی منتشر شده است. به این منظور، افزون‌بر تاریخچه چاپ و ویرایش دانش‌نامه علایی و ترجمه‌های آن به زبان‌های اروپایی، تبارچاپی «تصحیح» منتشره مولی را نشان می‌دهم، و گوشه‌ای از درستی‌ها و نادرستی‌های رخ داده در کار خطیر ناشر و دیباچه‌نگار دانش‌نامه را گوش‌زد می‌کنم. نشان خواهم داد که چاپ تازه خطاهای روشی و بنیادینی دارد که باعث می‌شود چاپ مولی از نظر تصحیح و چاپ ناکام باشد، و از نظر فلسفی مهم‌ترین نوآوری ساختاری ابن سینا را ضایع کرده باشد. خواهم گفت که دیباچه بلند دانش‌نامه چاپ مولی هیچ پیوندی با متن کتاب ندارد و از نظر پژوهشی نیز چیزی به دانسته‌های پژوهش‌گران درمورد دانش‌نامه علایی و فلسفه ابن سینا نمی‌افزاید. نتیجه خواهم گرفت که چاپ انتشارات مولی هیچ مزیتی بر چاپ‌های پیشین ندارد که به‌صورت چاپی یا دیجیتالی در دست‌رس ابن سینا پژوهان قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه سینوی، تصحیح متون، ابن سینا پژوهی، تبارشناسی متون، متن پژوهی، دیباچه‌نگاری.

* پژوهش‌گر پسادکتری (پژوهش‌گر فریتز توسین)، دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ، مدرسه فلسفه باستان، Hanif.Aminbeidokhti@campus.lmu.de

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

انتشارات مولی در سال ۱۳۹۴ چاپ تازه‌ای از نوشته گران‌سنگ فیلسوف نامی فارسی‌زبان، خواجه رئیس پورسینا^۱، روانه بازار کتاب کرده است.^۲ بازچاپ این اثر مهم و مهجور خبری خوش برای دوست‌داران فلسفه باستان، فلسفه دوران میانه، و فلسفه در جهان اسلام است. آماج این نوشته بررسی چاپ تازه *دانش‌نامه علایی* و سنجش صواب و خطای رخ داده در آن است. هم‌چنین نگاهی به دیباچه استاد صدوقی سها بر این نوشته می‌افکنم تا نکته‌هایی را درباره پژوهش در تاریخ فلسفه و ابن‌سیناپژوهی خاطر نشان کنم.

بنابر تازه‌ترین پژوهش‌های ابن‌سیناشناسان، *دانش‌نامه علایی* در زمره نوشته‌های دوران پختگی خواجه رئیس (Gutas 2014: 165)^۳ و بلکه واپسین جامع (*summa*) اوست.^۴ شرح جنبه‌های گوناگون اهمیت *دانش‌نامه علایی* از گستره غرض‌های این نوشته بیرون است، و نگارنده بر سر آن است که گوشه‌هایی از آن را در نوشته‌ای دیگر بکاود. آماج نوشتار پیش‌رو تنها بررسی چاپ تازه *دانش‌نامه* است.

۲. از حیدرآباد تا همدان: پیشینه تصحیح *دانش‌نامه علایی*

در ابن‌سیناپژوهی معاصر *دانش‌نامه علایی* با نام دانشمندانی چون محمد معین و سیدمحمد مشکوة گره خورده است. این دو نفر، به‌ویژه محمد معین، مصححان مشهورترین چاپ *دانش‌نامه* اند. این دو *دانش‌نامه علایی* را که مجموعه‌ای کامل (جامع / *summa*) در فلسفه ابن‌سیناست، برای نخستین بار در ایران و به‌مناسبت جشن هزاره ابن‌سینا ویراستند و به‌کوشش انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۱ به‌چاپ رساندند. این چاپ در سه کتاب مستقل براساس موضوع هر علم (به‌واقع تنها سه علم از چهار/ هفت علم) منتشر شده بود: *منطق* (ویراسته معین و مشکوة) در یک جلد، *الهیات* (معین) و *طبیعیات* (مشکوة) نیز در دو کتاب دیگر.^۵

اما بخش‌هایی از *دانش‌نامه علایی* پیش‌تر از این هم چاپ شده بود: نخستین بار حدود ۱۲۰ سال پیش (۱۳۰۹ ق) بخش‌های *منطق*، *الهیات*، و *طبیعیات* *دانش‌نامه* به‌همت مطبوعه فیروز در حیدرآباد هندوستان به‌چاپ رسیده بود. البته به‌گفته سیداحمد خراسانی، که در ۱۳۱۵ خورشیدی بخش‌های *منطق* و *الهیات* (فلسفه اولی) را ویرایش و چاپ کرد، این چاپ «به‌قدری مغلوط است که بی‌اغراق سه خط متوالی بدون غلط در آن یافت نمی‌شود»

(خراسانی ۱۳۶۰: مج). ۴۶ سال بعد، خراسانی با آگاهی از کاستی‌های چاپ حیدرآباد دست به ویرایش *دانش‌نامه‌ی علایی برپایه‌ی پنج دست‌نویس ایرانی* و نسخه‌ی چاپی حیدرآباد زد، و بخش‌های منطق و الهیات را در ۱۳۱۵ به چاپ رساند. او در پیش‌گفتار سودمند خود بر این ویراست و عدّه‌ی ویراست‌های دیگر را نیز (در قالب جلد دوم *دانش‌نامه* مشتمل بر بخش‌های طبیعیات، هندسه، هیئت، ارثماتیقی و موسیقی) به خواننده‌ی خود داده که شوربختانه محقق نشده است.

آخرین چاپ سال‌های پیش، که با همکاری دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۳ عرضه شده بود، در واقع بازچاپ همان چاپ اصلی است که دیگر بار در سه مجلد منتشر شده بود. در این آخرین چاپ مقدمه‌ای مشروح و دانش‌ورانه از مهدی محقق به اثر افزوده شده است که آگاهی‌های روزآمدی در مورد زندگی فلسفی خواجه رئیس در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. دست‌آخر، بخش موسیقی *دانش‌نامه‌ی علایی* با ویرایش تقی بینش، سال‌ها پس از چاپ سه بخش نام‌برده (۱۳۷۱) در کتاب *سه رساله‌ی فارسی در موسیقی* توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد (ابن‌سینا و دیگران ۱۳۷۱: ۳-۳۰).

چنان‌که یاد شد، بخش‌های دیگر *دانش‌نامه* که دربرگیرنده‌ی دانش‌های ریاضیاتی هندسه، ارثماتیقی، هیئت، و موسیقی بود، به‌جز این واپسین بخش، تاجایی که نگارنده آگاهی دارد، هرگز ویراسته نشدند، یا اگر شده‌اند چاپ نشده‌اند. اگرچه معین در مقدمه‌ی خود می‌گوید که تصحیح این بخش‌ها برعهده‌ی مجتبی مینوی گذاشته شده بوده است، چرایی این غفلت بر ما پوشیده است؛ شاید چون باور پژوهش‌گران، با تکیه بر گواهی دستیار ابن‌سینا، ابوعبید جوزجانی، بر این است که ریاضیات نگاشته‌ی خود خواجه رئیس نبوده است، بلکه به‌دست جوزجانی نگاشته شده، از این رو اهمیتی کم‌تر از دیگر بخش‌ها دارد. اگرچه شاید این ادعا درست باشد، کم‌لطفی در حق *دانش‌نامه* و شیخ و جوزجانی است. هرچه باشد، جوزجانی به‌گواهی خود این مجموعه را براساس نوشته‌های شیخ‌الرئیس فراهم آورده است و شیخ را نوشته‌ای بوده است به فارسی دری در ریاضیات «و از بزرگ تصانیف او *دانش‌نامه‌ی علایی* است» ولی «آنچه در او از ریاضیات بکرد، ضایع شده بود و به‌دستم نیفتاد» (معین ۱۳۳۱ ب: ز). اگر بنا را بر راست‌گویی جوزجانی بگذاریم و بینگاریم که او به‌حقیقت چیزی از آن نوشته‌ی فارسی در دست نداشته است، باز هم این بخش به‌عنوان یکی از نخستین نگاشته‌های علمی فارسی^۶ شایسته‌ی توجه و پژوهش است. وانگهی، تنها با ویرایش این بخش‌هاست که *دانش‌نامه* تبدیل به جامعی در دانش‌های سینوی می‌شود.

خراسانی برپایه پژوهش نسخه‌شناختی خود تذکر می‌دهد که نسخه‌های متعددی از *دانش‌نامه* در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد. این به‌نظر او نشان از استقبال آموزندگان و آموزانندگان از این جامع فارسی‌دری دارد و این‌که «این کتاب چندی کلاسیک شده است»، به این معنا که به‌گسترده‌گی مورد استفاده دانش‌آموزان و آموزگاران قرار گرفته است (همان: مب - مج).^۷ این مشاهده دقیق می‌تواند نشانه آن باشد که *دانش‌نامه* توانسته است یکی از منابع الهام اندیشه‌های فلسفی در دوران میانه در سرزمین‌هایی بوده باشد که این نسخه‌ها در آن‌ها بسیار یافت می‌شدند: در شمال هندوستان، ایران‌شهر، و سرزمین‌های عثمانی؛ البته برآورد میزان این تأثیر بدون پژوهش متنی و تاریخی نظام‌مند ممکن نیست. نخستین و مهم‌ترین گام در این مسیر نیز تهیه ویراستی انتقادی و کامل از *دانش‌نامه* است. خراسانی هم‌چنین به اختلافات فراوان میان دست‌نوشته‌ها اشاره می‌کند، که گویای دشواری‌های موجود در کار ویرایش *دانش‌نامه* است.

دانش‌نامه هم‌چنین به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز ترجمه شده است. محمد آشنا و آنری ماسه ترجمه‌ای کامل و دقیق از کل *دانش‌نامه* را (از جمله بخش‌های تصحیح‌نشده مانند ریاضیات) به‌زبان فرانسوی فراهم آورده‌اند. پرویز مروج بخش الهیات را هم‌راه با تفسیر به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. بخش منطق *دانش‌نامه* را فرهنگ ذبیح و قسمتی از بخش طبیعیات را جمیله جوهری به انگلیسی برگردانده‌اند، هرچند ترجمه‌های انگلیسی فاقد دقت کافی‌اند.

۳. *دانش‌نامه‌ی علایی: تبارشناسی چاپ مولی و دیباچه‌ی استاد صدوقی سرها*

با در نظر داشتن این آگاهی‌ها، هنگامی که خواننده علاقه‌مند به ابن‌سینا و *دانش‌نامه‌ی علایی* با چاپ انتشارات مولی رویارو می‌شود، نخستین پرسشی که به ذهن او می‌رسد این است که این چاپ ویراستی تازه از *دانش‌نامه* است؟ اگر چنین است، چه نسبتی با چاپ‌های پیش از خود دارد؟ برپایه کدام دست‌نوشته‌ها ویرایش شده است؟ چاپ تازه چه مزیت‌هایی دارد؟ آیا ویراستار جدید، اگر چنین کسی در میان است، اشکالی در کار ویراستاران پیشین دیده است؟ چنان‌که خراسانی اشکالات فراوانی در چاپ حیدرآباد یافته بود و معین، مشکوة، و مینوی سر آن داشتند کار ناتمام خراسانی را به‌پایان رسانند. اشکال چاپ‌های پیشین، به‌خصوص چاپ ۱۳۸۳ چه بوده است که ناشر و مصحح را به این نتیجه رسانده که ارائه ویراستی نو ضروری است؟

پاسخ هیچ‌کدام از این پرسش‌ها یافتنی نیست، زیرا متأسفانه ناشر در آغاز کتاب هیچ یادداشتی نیآورده است تا به تبار چاپی اثر خود اشاره کند، و دست‌کم وام‌انجمن آثار ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را بگذارد، بلکه نام همان مصححان را (معین، مشکوة، بینش)، بی‌هیچ توضیحی، روی جلد کتاب آورده است. توضیحی هم ارائه نشده که چرا تصحیح بینش که متعلق به سه‌گانه «انجمن آثار ملی» نبوده است در این چاپ تازه گنجانده شده است؟ آیا ناشران پیشین از حق نشر خود صرف‌نظر کرده‌اند؟ کتاب هم‌راه شده است با دیباچه‌ای بلند به قلم استاد صدوقی سها که نامی آشنا برای پژوهش‌گران فلسفه صدرایی است، اما ایشان نیز در دیباچه خود نشانه‌ای از پاسخ به این پرسش‌ها به دست نمی‌دهند یا اشاره‌ای به چاپ‌های پیشین بخش‌های مختلف کتاب نمی‌کنند. گویی [روانشادان] معین، مشکوة، و بینش و ناشران پیشین خود به سراغ ناشر و دیباچه‌نویس رفته و از آن‌ها خواسته‌اند ویراستشان را هم‌راه با دیباچه‌ای نو به چاپ برسانند.

چاپ تازه *دانش‌نامه* به دست انتشارات مولی می‌توانست اخگر امیدی برای پاسخ به بسیاری از پرسش‌های فلسفی و تاریخی در چشمان پژوهش‌گران جوان روشن کند، و می‌بایست چنین می‌کرد، به‌ویژه که پیش‌گفتار چاپ تازه بسیار بلند است: در سه بخش («الف» تا «ج») و ۳۹ صفحه (از یازده تا چهل‌ونه)، به قلم چهره‌ای چون استاد صدوقی سها. خواننده‌ای که چاپ پیشین *دانش‌نامه* را می‌شناسد نیک می‌داند که آن چاپ به پیش‌گفتاری از دکتر محقق آراسته است (در ۲۸ صفحه) که در زمان نگارشش روزآمد، سودمند، و آموزنده بود، و هنوز هم از بسیاری کلی‌گویی‌ها درباره زندگی و آثار ابن‌سینا خواندنی‌تر است. از آن‌جا که آن پیش‌گفتار در چاپ مولی حذف شده است، نهادن دیباچه تازه بر *دانش‌نامه* به خواننده امید می‌دهد که قرار است با آگاهی‌ها و دست‌آوردهای تازه‌ای در باب فلسفه ابن‌سینا و *دانش‌نامه* مواجه شود. اما این اخگر امید دولت مستعجل است؛ چراکه این دیباچه، چنان‌که نشان داده خواهد شد، نه پیوندی با زندگی فلسفی ابن‌سینا دارد، نه با *دانش‌نامه*، و نه با ابن‌سینا پژوهی معاصر.

دلیل دیباچه‌نگار محترم برای این بی‌پیوندی از این قرار است:

چنینم در دل افتاد و بر سر گذشت که از سر آن‌که هرآن‌چه به ما نحن فیه می‌باید گفت به افادات عالیات اساتید فقید سیدمحمد مشکوة الشریعة بیرجندی و دکتر محمد معین و تقی بینش [...] به دیباچه‌های آنان بر بخش‌های گوناگون کتاب که به طبع حاضر نیز زینت‌افزاست وارد است، روی در استطراد کنم و بدان ساحت نیز سخن مقصور گردانم [الخ] (صدوقی سها ۱۳۹۴: الف).

سپس سه موضوعی را معرفی می‌کند که در دیباچه به آن‌ها می‌پردازد. این دیباچه بلند در پنج بخش تنظیم شده است: یک مقدمه (صص یازده - دوازده)، سه بخش اصلی «الف»: دلیل استمرار فلسفه در ایران از پی زوال آن از حوزه خلافت بغداد» (صص دوازده - شانزده)، «ب: اشعار به وجود متون فلسفی در زبان پارسی» (صص شانزده - سی و دو)، «ج: بحث در طریق اتصال خواجه پورسینا با معلم دوم فارابی» (صص سی و دو - چهل و هشت)، و یک «خاتمه» (صص چهل و نه).

دیباچه یادشده در واقع هیچ نکته جدیدی درباره دانش‌نامه و نیز زندگی دانش‌ورانه شیخ‌الرئیس نمی‌گوید. به‌واقع این دیباچه تهی است از هرآنچه خواننده از دیباچه نوشته‌ای کلاسیک انتظار دارد؛ نه سخنی دارد از ویژگی‌های سبکی نوشتار ابن‌سینا، نه تأثیر احتمالی این نوشته در نویسندگان بعدی، نه دارای بحثی است در چگونگی باورها و آرای خواجه رئیس در دانش‌نامه در سنجش با دیگر نوشته‌های ایشان. اثری نیز از تحلیل متن و ساختار در آن وجود ندارد. به‌جای آن، دیباچه‌نگار نوشته خود را با کلیاتی در باب تداوم علم و فلسفه در ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام می‌آغازد و پاره‌هایی بلند را از پژوهش‌ها و نوشته‌های دیگران در این باره نقل می‌کند (بخش «الف»). شیوه بازگویی پاره‌ها خالی از خرده‌گیری نیستند. برای نمونه در بخش «ب» از دیباچه (صص شانزده - سی و دو) پاره‌ای بلند از دکتر صدیقی هم‌راه با پانویست‌های ایشان بازآورده شده است؛ از آن‌جاکه این پاره بسیار بلند است و پانویست‌های صدیقی ظاهراً به‌عینه آورده شده‌اند، خواننده به‌آسانی در نمی‌یابد که آیا این پانویست‌ها حاصل ژرف‌اندیشی‌های دیباچه‌نگار، آقای صدوقی سها، هستند یا تراوش‌های قلم صدیقی. این نقل‌قول‌ها پاره‌هایی اند برگرفته از صفحه‌های ۱۶ تا ۶۰ از پیش‌گفتار صدیقی بر قراضه طبیعات، که به‌دقت مشخص نشده است هرکدام از پاره‌ها از کدام صفحه تا کدام صفحه بازگفته شده‌اند و به‌گونه‌ای دل‌خواهانه گاه پانویست‌های صدیقی در دیباچه دانش‌نامه آورده شده‌اند و گاه نه (برای نمونه‌ی پانویست‌های صفحه ۳۲ از پیش‌گفتار صدوقی)، و باز روشن نیست چه مرجحی برای این آشفته‌گی در کار است. نقل‌قول اصلی با گیومه (») آغاز می‌شود و با «<» پایان می‌یابد. از آن‌جاکه دیباچه‌نگار محترم حاشیه‌ای بر این نقل‌قول‌ها نیفزوده است، خواننده ناگزیر به این نتیجه می‌رسد که ایشان با هرآنچه صدیقی در پیش‌گفتار قدیمی‌اش (به‌سال ۱۳۳۲) نوشته موافق است و در این بیش از نیم سده هیچ آگاهی تازه‌ای در این باب حاصل نشده است. بنابراین، حدود نیمی از دیباچه به‌قلم دیباچه‌نگار و حاصل تتبع او نیست. اگر در نظر

بگیریم که بخش بزرگی از خوانندگان *دانش‌نامه* پژوهش‌گران فلسفه سینوی‌اند، این بخش از دیباچه دربرگیرنده هیچ نکته تازه‌ای برای آنان نیست.

بخش «ج»، که هیچ ارتباطی با *دانش‌نامه* ندارد، دربرگیرنده نظریه شخصی دیباچه‌نگار درباب زندگی دانش‌ورانه ابن‌سیناست. این بخش با ادعایی شگرف آغاز می‌شود که نگارنده گرامی استدلالی برای آن ارائه نمی‌کند. ایشان می‌نویسد: «یکی از خصائص خاص الخاص تاریخ فلسفه در ایران همانا تسلسل ساری در حلقات فلاسفه است تا بدان جایگاه که ایدونا بتوانم سلسله اساتید خویش مسلسلأ با صدرالمتألهین متصل گردانم» (صدوقی سها ۱۳۹۴: سی و دو). این ادعا دو بخش دارد: یکی آن‌که در پیوند است با یکی از ویژگی‌های فلسفه در ایران (و چرا نه در جهان اسلام؟) و دیگری مدعایی درباره خود دیباچه‌نگار. علاقه من این‌جا بیش‌تر معطوف است به مدعای اول، که به زندگی دانش‌ورانه ابن‌سینا مرتبط‌تر است. برای نگارنده روشن نیست که چرا دیباچه‌نگار گمان می‌کند رابطه آموزگاری — شاگردی «یکی از خصائص خاص الخاص» فلسفه در ایران، و نه حتی دست‌کم در جهان اسلام، است. آن‌طورکه من می‌فهمم، قید «خاص الخاص» بناست نشان دهد که این ویژگی در هیچ سنت فلسفی دیگری یافت نمی‌شود. به روشنی می‌توان گفت که این داوری هرگز درست نیست. چرا این رابطه میان فیلسوفان یونان باستان (دوران هلنی)، یا فیلسوفان دوران یونانی‌گری (هلنیستی) یا فیلسوفان سریانی برقرار نباشد؟ یا میان فیلسوفان لاتینی یا میان ایدئالیست‌های آلمانی و فیلسوفان نوکانتی؟ هرچه باشد فلسفه نوعی از دانش است و دانش همواره آموزانده و آموخته می‌شود و نادرند فیلسوفانی که مانند ابن‌سینا، آن‌طورکه در زندگی‌نامه خودنوشتش آورده است، ادعای خودآموخته‌بودن داشته باشند.^۸ البته به‌نظر می‌رسد دیباچه‌نگار خود به‌گونه‌ای وجود چنین پیوندی را در سنت‌های دیگر می‌پذیرد، زیرا چند سطری پس از این مدعا می‌نویسد: «اتصال سلسله فارابی با حکمای اسکندرانیه مسلم است و مفروع عنه چنان‌که نیز چنین است اتصال حکمای اسکندرانیان با حکمای آتن» (همان). با این توضیح، دیگر این ویژگی «یکی از خصائص خاص الخاص» تاریخ فلسفه در ایران نیست، بلکه ویژگی بدیهی هر دانشی است و فلسفه در این میان، و فلسفه در ایران از این بابت، واجد هیچ خصیصه «خاص الخاص» ای نیست.

پس از این مدعای مبهم و نامستدل، دیباچه‌نگار ره‌سپار آن می‌شود که «نحوه اتصال شیخ رئیس با معلم دوم» را نشان دهد. این بخش خود بازگفت پاره‌ای است از نوشته‌ای دیگر از دیباچه‌نگار زیر نام «پدیدارشناخت تاریخ استعلایی فلاسفه اسلامی». این نقل‌قول

بلند با «[]» آغاز می‌شود، اما هرگز به «[]» نمی‌رسد؛ باین‌وصف به‌نظر می‌رسد که نقل‌قول تا پایان بخش «ج» ادامه یافته باشد، تا آن‌جا که «طهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۹۲۹» آمده است (این شیوه ارجاع و آوردن شماره صفحه‌ها نیز از نوآوری‌های این دیباچه است).^۹ به این ترتیب دیباچه‌نگار برای بخش سوم دیباچه خود نیز سخن تازه‌ای نگاشته است.

بخش «خاتمه» دیباچه تنها جایی است که می‌توان امیدوار بود حاوی پاسخ به برخی پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای این بخش باشد. در این‌جا نویسنده از سه پژوهش درباب *دانش‌نامه* یاد می‌کند: تصحیح و تحشیه سیداحمد خراسانی از دو بخش منطق و الهیات در ۱۳۱۵، که دیباچه‌نگار از آن به‌گونه‌ای نادقیق چنین یاد می‌کند: «یکی از چند کار معدود که درباب *دانش‌نامه* معمول افتاده است این است که مرحوم سیداحمد خراسانی مطالبی متعدد بر آن تعلیق کرده است و مطبوع آورده *طهران، کتاب‌خانه مرکزی، ۱۳۱۶*»، و ذکری هم به‌میان نیاورده است که تصحیح خراسانی تنها منطق و الهیات را در بر دارد و در آن نشانی از طبیعیات و دیگر دانش‌ها نیست. وانگهی دکتر معین در ویرایش خود به این چاپ نظر داشته، حال آن‌که به‌نظر نمی‌رسد چاپ جدید *دانش‌نامه* بیش از معین بهره‌ای از ویراست خراسانی برده باشد. از این‌رو مشخص نیست چرا ذکری از آن به‌میان آمده، درحالی‌که چاپ تازه مشتمل بر دیباچه معین بر الهیات *دانش‌نامه* نیز است، که در آن به‌طبع از ویراست خراسانی یاد شده است. پژوهش دومی که دیباچه‌نگار از آن یاد کرده است تصحیحی است از بخش موسیقی توسط سید هوشنگ میرمطهری که دیباچه‌نگار اذعان دارد: «هیچ ندانم که ایدونا اثر او به کجاست»، و خواننده را با این پرسش تنها می‌گذارد که پس چرا از این تحقیق یاد شده است؟ به‌ویژه که خبری از چاپ‌ها و تحقیق‌های دیگر (مانند چاپ حیدرآباد) در میان نیست.^{۱۱} سه دیگر، پایان‌نامه‌ای که به راه‌نمایی دیباچه‌نگار در مورد «موسیقی در نظر ابن‌سینا» نوشته شده، و به‌ظاهر مورد تحسین اوست، و تصحیحی از بخش موسیقی *دانش‌نامه* را نیز در بر دارد. اما در این چاپ از این تصحیح نیز استفاده نشده است، و به‌واقع معلوم نیست چرا ایشان که بخش موسیقی *دانش‌نامه* را نیازمند ویرایش می‌دیده است در این چاپ از تصحیح دانشجوی خود بهره نبرده است. باین‌حساب دیباچه بلند آقای صدوقی سها هیچ نکته‌ای راجع به *دانش‌نامه* ندارد، و در اساس دیباچه‌ای نیست که برای این اثر نوشته شده باشد، بلکه گزینه‌ای است از چند منبع مختلف که به‌دست دیباچه‌نگار محترم در یک نوشته گرد آمده، و توسط ناشر بر سر *دانش‌نامه* در جایگاه دیباچه نشسته است.

۴. دانش‌نامه‌ی علایی: نقد شکلی و محتوایی

با وجود این که آقای صدوقی سها دیباچه چاپ تازه‌ی دانش‌نامه‌ی علایی را نگاشته‌اند، به نظر نمی‌رسد کتاب زیر نظر و با اشراف ایشان به چاپ رسیده باشد؛ زیرا از نگاه نگارنده چاپ تازه‌ی دانش‌نامه آلوده است به لغزش‌ها و کاستی‌هایی نظام‌مند و روشی که دورند از این که به چشم ایشان، که از پژوهش‌گران مشهور فلسفه در جهان اسلام است، نیامده باشند.

بزرگ‌ترین و نابخشودنی‌ترین این لغزش‌ها همانا برهم‌زدن نظم و ترتیب دانش‌نامه است. توضیح آن که از جنبه‌های درخور توجه دانش‌نامه نوآوری ابن‌سینا در ساختار و ترتیب علوم است. ابن‌سینا در دانش‌نامه، برخلاف سنت ارسطویی پیشین و نیز برخلاف شیوه نگارش خود در جامع‌های دیگرش، بر آن است که متافیزیک/الهیات را (که آن را علم برین و علم پیشین و فلسفه‌ی اولی می‌خواند و چنان است که «اصل‌های همه علم‌ها اندر این علم درست شود» ولی «این علم را به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است») در سرآغاز دانش‌های فلسفی و پس از منطق، که ابزار و ارگانون همه دانش‌هاست، و «به اول» بیاموزاند تا «لطفی به جای» آورده باشد (ابن‌سینا ۱۳۳۱ ب: ۱۰-۸۶ [ص ۸، سطر ۱۰-۸]).

این دگرگونی ساختاری تصمیمی خودسرانه یا دل‌خواهانه یا از سر «سلیقه و ذوق» نبوده است؛ نویسنده گمان قاطع دارد که می‌توان نشان داد که این دگرگونی ساختاری ریشه در ژرف‌اندیشی ابن‌سینا در ماهیت علم و نیز اسلوب آموزش علم دارد. مطابق باور ابن‌سینا و بازسازی دقیق او از آموزه‌های ارسطویی در باب علم (شناخت) در *التحلیلات الثانیة* (*Analytica Posteriora*)، هر علمی دارای موضوع یگانه‌ای است، و هیچ علمی نمی‌تواند اصول خود را در خود آن علم اثبات کند، بلکه اصل‌های هر علم در علم دیگری اثبات می‌شوند که از نظر رتبه در پایه‌ای برتر از آن علم است.^{۱۲} برای نمونه دانش طبیعیات یا دانشمند طبیعی‌دان نمی‌تواند با استفاده از ابزارهای تحلیلی دانش فیزیک وجود جسم و ساختار جسم را (این که مثلاً ترکیبی از ماده و صورت است یا از اجزای لایتجزی) ثابت کند، بلکه این‌ها مبادی این دانش‌اند و طبیعی‌دان، و نیز دانشجوی فیزیک، باید آن‌ها را به صورت اصل بپذیرد و پیش فرض بگیرد. به این ترتیب، این دگرگونی ساختاری ارزش فلسفی درخور اعتنایی دارد که شایسته بررسی دقیق در سنجش با دیگر آثار ابن‌سینا و فلاسفه سینوی پس از ابن‌سیناست. بازتاب این دگرگونی ساختاری در *التحصیل* بهمینار ارزش فلسفی کار ابن‌سینا را بیش از پیش برجسته می‌کند.

ترتیب اصیل و درست *دانش‌نامه* از این قرار است: منطق (که علم ترازو است و ابزار دانش)، الهیات/ متافیزیک (علم برین، فلسفه اولی)، طبیعیات/ فیزیک (علم زیرین)، هندسه، هیئت، ارثماطیقی، و موسیقی. شگفتا که در چاپ مولی از *دانش‌نامه* دانش‌های فلسفی با این ترتیب عرضه شده‌اند: منطق، طبیعیات، موسیقی، و الهیات. کماکان خبری از هندسه، هیئت، و ارثماطیقی در *دانش‌نامه* نیست.^{۱۳} شوربختانه با سهل‌انگاری نابخشودنی ناشر نه تنها نوآوری بی‌باکانه‌ی خواجه رئیس نادیده انگاشته و هدر شده است، که برخی جملات او نیز دیگر معنایی افاده نمی‌کنند. برای نمونه در آنچه ابن‌سینا درباره‌ی الهیات در *دانش‌نامه* می‌گوید «و این علم را به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است، و لیکن ما جهد کنیم که به اول بیاموزانیم» (همان)، خواننده نخواهد فهمید منظور ابن‌سینا از این‌که می‌کوشد متافیزیک را نخست و پیش از دانش‌های دیگر بیاموزاند چیست، چون بخش الهیات به تشخیص ناشر (یا دیباچه‌نگار؟) در پایان مجموعه *دانش‌نامه* آورده شده است. شایسته بود آن‌گاه که انتشارات قصد آن کرد چاپ تازه‌ای از *دانش‌نامه* را روانه بازار کتاب کند، هم با شخصی که روی نوشته کار پژوهشی انجام داده است رایزنی می‌کرد تا مرتکب این اشتباه نشود، و هم بخش‌های ناویراسته را برای ویرایش به کسی وامی‌گذارد و آن‌ها را با ویرایشی هماهنگ با دیگر بخش‌ها هم‌راه با کار معین، مشکوٰه، و بیش منتشر می‌کرد.

دیگر ایراد چاپ تازه *دانش‌نامه* این است که در آن شماره‌ی صفحه‌های نسخه‌های انتقادی مرجع و شماره‌ی خط‌های ویراست معین از الهیات نیامده است (متأسفانه بخش‌های منطق، طبیعیات، و موسیقی در نسخه‌های مرجع نیز شماره‌ی خط ندارند). از این رو چاپ تازه *دانش‌نامه* برای بسیاری از پژوهش‌گران فلسفه ابن‌سینا خالی از فایده خواهد بود؛ زیرا پژوهش‌گران معمولاً به متن منقح انتقادی یگانه‌ای ارجاع می‌دهند تا از گمراهی خوانندگان جلوگیری کنند. اگرچه این چاپ جدید حاوی نسخه بدل‌های مشکوٰه - معین است، شماره‌ی صفحه و خط‌های نسخه چاپ اصلی را به هم ریخته است. هر چند هرکدام از بخش‌ها دوباره و جداگانه از «۱» هم شمارش شده‌اند؛ مانند «علم الهی / ۱» در صفحه ۳۰۹ از کل کتاب.

این به هم ریختگی عواقب ناخواسته‌ای به هم‌راه دارد. برای نمونه (با وجود زحمت فراوانی که ناشر برای صفحه‌بندی کتاب کشیده است) تفاوت‌های اندک در صفحه‌بندی چاپ اصلی با چاپ مولی باعث شده است برخی ارجاع‌های درونی ویراستاران در کتاب بی‌معنا شوند. برای نمونه دکتر معین در پایان مقدمه خود بر بخش الهیات سیاهه‌ای از دست‌نویس‌های مورد استفاده خود را برمی‌شمرد و کوتاه‌نام آن‌ها را به آگاهی

خواننده می‌رساند و سپس او را برای به‌دست آوردن آگاهی بیشتر به بخشی از مقدمه خود رهنمون می‌شود که در آنجا دست‌نویس‌های شناسایی‌شده را توصیف کرده است. در پایان توضیح ایشان برای کوتاه‌نام «مک ۱» آمده است «رجوع به صفحه ۳: ۳ شود» (چاپ مولی: ۳۰۷)؛ اما با رجوع به صفحه «یز» نمی‌توان توضیحی درباره دست‌نویس مک ۱ یافت، چراکه در صفحه‌بندی تازه این توضیح به صفحه «ید» جابه‌جا شده است. به همین گونه توصیف «مک ۲» از «یط» در چاپ اصلی به صفحه «یه» در چاپ مولی جابه‌جا شده است (روی‌هم‌رفته، مقدمه معین در صفحه‌بندی چاپ مولی شش صفحه کم‌تر از چاپ اصلی جا گرفته است). نمونه‌ای دیگر: معین در مقدمه خود به جای توصیف نسخه «ق» خواننده را به توصیف مشکوة از این نسخه در مقدمه طبیعیات ارجاع می‌دهد و می‌نویسد «رجوع به مقدمه بخش طبیعی دانش‌نامه مصحح آقای مشکوة صفحه ۷» (معین ۱۳۳۱ ب: یو). هنگامی که خواننده به مقدمه مشکوة می‌نگرد، اثری از صفحه ۷ نمی‌یابد، چون ناشر مقدمه مشکوة را نیز با حروف نشان‌گذاری کرده است و توضیح یادشده در صفحه «و» است؛ هم‌چنین در دیگر موردها.

افزون‌براین در همین صفحه از مقدمه معین (چاپ مولی، ۲۹۲، علم الهی / ح) پانوشتی هست که در آن از «انجمن آثار ملی» یاد شده است. اما این پانوشت برای خواننده چاپ مولی به‌سختی معنادار است؛ چراکه ناشر بر چاپ خود سخنی ننوشته است تا به تبار چاپی کتاب اشاره کند، و نه در هیچ کجای دیباچه به نقش «انجمن آثار ملی» در فراهم‌آوردن دانش‌نامه اشاره‌ای شده است. گرچه در مقدمه بخش طبیعی آقای مشکوة از «انجمن آثار ملی» یاد می‌کند، ولیک این یادکرد در میانه کتاب است و نه در دیباچه کتاب (چاپ مولی، ۱۲۰، علم طبیعی / ب). این کژی‌ها نشان‌دهنده آن‌اند که ناشر محترم دقت کافی در چاپ خود به‌خرج نداده است، و تنها متن‌های تایپ‌شده را در کنار یک‌دیگر قرار داده، بی‌آن‌که کسی را بدان بگمارد که حاصل کار را نمونه‌خوانی کند؛ اگر هم کسی چنین وظیفه‌ای برعهده داشته کارش را با دقت شایسته و بایسته انجام نداده است.

در نگاه به نوشتار کتاب نیز باید گفت که خود متن مشکوة - معین - بینش در چاپ انتشارات مولی هیچ تفاوتی با چاپ‌های پیشین ندارد، نه در رعایت قواعد نوین خط فارسی، هم‌چون جدانویسی یا سرهم‌نویسی، و نه در رعایت دستورهای سجاوندی. چه بسا که گاه کاستی‌ها و اشتباهات تایپی نسخه‌های پیشین را با خود به نسخه فعلی منتقل کرده است: مانند «ایشانرا» (معین: ۱۴.۳۶) و «ایشانرا» (چاپ مولی: ۳۴۲) به جای «ایشان را»،

«زندگی» (مشکوٰۃ: ۳۸.۴) و «زندگی» (چاپ مولی: ۳۱) به جای «زندگی». هرچند از این دست اشکال‌ها در چاپ تازه اندک است و گاه اشکالات تایپی چاپ پیشین تصحیح شده‌اند؛ مانند «اندر وی» (چاپ مولی: ۳۴۳) به جای «اندوری» (معین: ۱.۳۸).

در سرتاسر بخش علم طبیعی به جای یای نکره (-ای) در آخر اسم‌های منتهی به «های غیر ملفوظ»، یعنی به جای «ای [=در نسخه‌ای]»، از «یای بریده/کوتاه (ه)» استفاده شده است، برای نمونه در «به درجه مغلوط [=به درجه‌ای مغلوط]» یا «نسخه که [=نسخه‌ای که]» این نسخه را از روی آن نویسانیده‌اند. این شیوه نگارش که در چاپ اصلی بخش طبیعیات دیده می‌شود، افزون‌براین که شیوه نگارش بسیار نادری است، و احتمالاً شیوه نگارش نسخه مبنای مشکوٰۃ را بازتاب می‌دهد، با دیگر بخش‌های چاپ مولی هماهنگی ندارد. هم‌چنین به این ترتیب در این بخش از نظر نگارشی تفاوتی میان «نسخه‌ی / نسخه» و «نسخه‌ای / نسخه» وجود ندارد. شیوه نگارش کم‌یاب چاپ اصلی درمورد «قراءتها [=قراءت‌ها]»، «حاله‌ها [=حال‌های]»، «رطوبته‌ها او [=رطوبت‌های او]» نیز کماکان در چاپ مولی مشاهده می‌شود.

میان شکل ساختاری بخش موسیقی (ویراسته بینش) و بخش‌های دیگر (مشکوٰۃ - معین) اختلافی وجود دارد که مشخص نیست به چه دلیل رخ داده است: درحالی‌که در بخش‌های منطق، طبیعیات، و الهیات نسخه‌بدل‌ها و حاشیه‌های ویراستاران، هردو، پای صفحه‌ها آمده‌اند، در بخش موسیقی نسخه‌بدل‌ها (بینش از دو نسخه موزه لندن و موزه ملک استفاده کرده است) به صورت دو ستونه در پایان این بخش آورده شده‌اند. این اختلاف افزون‌براین که به دلیل ناهماهنگی با دیگر بخش‌های کتاب شکلی نازیبا به این بخش داده باعث زحمت خواننده‌ای می‌شود که ۲۱۰ صفحه از کتاب را با سبکی دیگر خوانده و قرارست پس از این بخش ۱۵۰ صفحه دیگر را نیز به همان سبک نخست بخواند.

ناهماهنگی‌ها و کاستی‌های تایپی، نگارشی، و صفحه‌بندی کتاب شاید نشان‌دهنده آن باشند که کار تهیه و تایپ بخش‌های مختلف کتاب به دست یک نهاد/ نفر انجام نشده است. گویی نسخه‌های تایپ‌شده سه بخش منطق، الهیات، و طبیعیات (با همه ناهماهنگی‌هایی که به چاپ تازه راه یافته‌اند) از منبع دیگری به جز منبع نسخه تایپ‌شده بخش موسیقی فراهم آمده‌اند. به بیان دیگر، انگار آن سه بخش به دست یک آدم/ نهاد تایپ شده‌اند و بخش موسیقی به دست آدم/ نهاد دیگری. فراتر از این، اختلاف مذکور در شیوه املاي بخش‌های مختلف ممکن است این ظن را به ذهن متبادر کند که ناشر زحمت تایپ و حروف‌چینی مجدد را به خود نداده، و از متنی آماده (مانند متن دانش‌نامه در نرم‌افزار حکمت یا کتاب‌خانه حکمت اسلامی) استفاده کرده است.

افزون‌براین، همین‌که ناشر ویراست‌های مختلف از بخش‌های نوشته‌های یگانه را، که جدا جدا و براساس دست‌نوشته‌های متفاوت و گاه بی‌پیوند با هم ویرایش شده‌اند، در کنار یک‌دیگر قرار داده است خواننده پژوهش‌گر را در رسیدن به داوری نهایی درمورد دست‌نویس‌ها به دردمر می‌اندازد. برای نمونه دست‌نویس ملک‌مورد استفاده بینش یکی از نسخه‌های مورد استفاده معین (مک ۱) است (در کنار مک ۲)، اما خواننده نمی‌تواند با مقایسه بخش موسیقی و بخش الهیات به چنین نتیجه‌ای برسد، بلکه ناگزیر است از جست‌وجوی فراوان، و در پایان پاسخ خود را در مقدمه معین بر بخش الهیات می‌یابد، آن‌جا که ایشان توضیح می‌دهند «مک ۲» تنها بخش‌های منطق، الهیات، و طبیعیات را در بر می‌گیرد (چاپ مولی ۱۳۹۴: ۲۹۹)، ولی مقدمه معین، از روی سهل‌انگاری ناشر، پس از بخش موسیقی قرار داده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

با این توضیحات باید گفت تنها مزیت چاپ تازه انتشارات مولی از *دانش‌نامه‌ی علایی* در این است که هست، برعکس چاپ‌های پیشین که دیری است نیستند. جلد کتاب هم زیباست و فونت و تایپ کتاب بهتر از چاپ‌های قدیمی است که امروز به‌صورت دیجیتالی در اختیار همه ابن‌سینا پژوهان در سرتاسر گیتی قرار دارند. اما لغزش‌ها و کاستی‌های یادشده این فرصت را از چاپ تازه می‌گیرند تا در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌واقع جای‌گزین چاپ‌های پیشین شود. باین‌همه *دانش‌نامه* می‌تواند و می‌باید در جایگاه متنی درسی برای آموزش فلسفه سینایی در دانشگاه‌ها مورد استفاده دانشجویان و استادان قرار گیرد، به‌ویژه برای دانشجویانی که هنوز به خواندن نوشته‌های عربی شیخ الرئیس خو نگرفته‌اند، چنان‌که در دوران میانه *دانش‌نامه* چنین جایگاهی نزد فارسی‌زبانان در سرتاسر جهان فارسی‌خوان داشته است. پژوهش‌گران جافتاده فلسفه ابن‌سینا نیز باید به *دانش‌نامه* با جدیت بیش‌تری بنگرند و آن را در کنار نوشته‌های عربی خواجه رئیس و هم‌ارزش با آن‌ها در کانون بررسی‌های خود جای دهند.

دانش‌نامه‌ی علایی اثری است گران‌سنگ، اما مظلوم و مهجور، که تا امروز نادیده گرفته شده است. بیش‌تر به این گمان ناستوار که نوشته‌های فلسفی فارسی برای مبتدیان نگاشته می‌شدند، و فیلسوفان متبحر باید بر نوشته‌های عربی درنگ کنند، و گاه به این باور کم‌بنیاد که *دانش‌نامه* خود ترجمه‌ای از پاره‌هایی به‌زبان عربی است که اکنون پیشینه آن‌ها

دردست‌رس ما نیستند. این‌که ناشر محترم و دیباچه‌نگار گرامی آن را حتی درخور صرف وقت و دقت و انرژی بیش‌تری ندانسته‌اند خود گواهی دیگر است بر این مهجوریت. شایسته است فارسی‌زبانان وام خود را به این [شاید] نخستین نوشته جامع در فلسفه به‌زبان فارسی دری ادا کنند و به پژوهش و ویرایش و بررسی نظام‌مند آن بپردازند تا زحمت نگارنده آن بی‌ارج نماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در درازنای تاریخ فلسفه، از ابن‌سینا با لقب‌های گوناگون مانند پورسینا، خواجه رئیس، شیخ‌الرئیس، شیخ رئیس، ابوعلی و حجة‌الحق یاد شده است. نامی که انتشارات مولی برگزیده «شیخ رئیس» است.
۲. مشخصات کتاب از این قرار است: معین، محمد، سیدمحمد مشکوة، و تقی بینش (۱۳۹۴) (مقدمه، حواشی، و تصحیح)، شیخ رئیس ابوعلی سینا: دانش‌نامه‌عالی، منطق، طبیعیات، موسیقی، الهیات، دیباچه از منوچهر صدوقی سها، تهران: مولی.
۳. به‌گمان گوتاس، دانش‌نامه از آثار دوره میانی در اندیشه ابن‌سیناست و پس از شفا و نجات و پیش از اشارات و حکمة‌المشرقیین نوشته شده است. درمورد زمان نگارش اشارات یحیا میشو با گوتاس اختلاف دارد. میشو بر این باور است که ابن‌سینا الاشارات و التنبیهات را به‌عنوان درس‌نامه برای بهمنیار مرزبان و به‌منظور آموزش شاگردان بهمنیار نوشته است و این نوشته متعلق به زمانی است بسیار پیش‌تر از ۴۲۱-۴۲۵ ق / ۱۰۳۰-۱۰۳۴ م که پیش‌نهاد گوتاس برای نگارش اشارات است. بنگرید به Michot 2014.
۴. جامع یا سوما (summa) ژانری نوشتاری است در فلسفه که در آن نویسنده براساس طرحی از پیش اندیشیده، دست به نگارش همه دانش‌های فلسفی در یک مجموعه (از این‌رو، جامع) می‌زند. شیخ رئیس را مبدع این ژانر در تاریخ فلسفه می‌دانند. بنگرید به Bertolacci 2006: 265.
۵. برای مشخصات کتاب‌شناسی چاپ انجمن آثار ملی، بنگرید به «کتاب‌نامه». در این‌جا آن را «چاپ اصلی» می‌خوانم.
۶. البته نه نخستین: التفهیم ابوریحان بیرونی (۴۲۰ ق) کمابیش هم‌زمان با دانش‌نامه است. نیز نوشته‌هایی در پزشکی بسی پیش از این دو نگارش شده‌اند: هدایة المتعلمین فی الطب از ابوبکر الأخوینی البخاری (حدود ۳۷۰ ق) و دانش‌نامه در علم پزشکی (حدود ۳۶۷ تا ۳۷۰ ق) از حکیم میسری هر دو قدیمی‌تر از التفهیم و دانش‌نامه‌اند. کشف المحجوب ابویعقوب سجستانی نیز احتمالاً پیش از التفهیم و دانش‌نامه نوشته (یا شاید ترجمه) شده است.

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست: ... (حنیف امین پیدختی) ۸۳

۷. این که مقاصد الفلاسفه غزالی ترجمه‌ای است [آزاد] از دانش‌نامه، و نیز این که التحصیل بهمنیار مرزبان بر پایه دانش‌نامه نگاشته شده است گواه‌اند بر گستردگی بهره‌برداری از این اثر. برای نکته گفته شده درباره التحصیل، بنگرید به گواهی بهمنیار در: بهمنیار ۱۳۷۵: ۲.

۸. به نظر گوتاس، غرض ابن سینا از نگارش زندگی‌نامه‌اش مستندسازی فرازونشیب زندگی‌اش نبود؛ او می‌خواست از طریق این زندگی‌نامه نمونه‌ای عینی برای نظریه معرفت‌شناختی ویژه خود فراهم آورد. بنگرید به Gutas 2012.

۹. از آن‌جا که استدلال مطرح شده نقل‌قولی است از کتابی دیگر، و نگارنده آگاه نیست که آیا همه منابع آن در دیباچه ذکر شده است یا نه، در این جا به محتوای آن پرداخته است.

۱۰. نقدی بر سال چاپ و ناشر ندارم؛ چه بسا استاد چنین چاپی را دردست‌رس داشته‌اند. مشخصات چاپ اول در پیش‌گفتار معین بر الهیات از دانش‌نامه (کد-که در چاپ اصلی و ک در چاپ مولی) آمده است.

۱۱. از این دست است: مقربی ۱۳۹۱. شوربختانه محقق در این چاپ همگی اطلاعات مربوط به نسخه‌بدل‌ها (critical apparatus) را به این دلیل ناپذیرفتنی که «تنها برای عده‌ای معدود از متخصصان و نسخه‌شناسان مناسب و سودمند است» حذف کرده است. اثری از شماره صفحات ویراست مشکوٰه نیز در کار نیست. در نتیجه این چاپ را نمی‌توان نسخه دانشجویی (student edition) نیز تلقی کرد، چون هیچ پیوندی با ویرایش انتقادی ندارد. به‌کاربردن عنوان مصحح روی جلد کتاب برای آقای مقربی نیز نادرست است.

۱۲. در این باره بنگرید به فصل‌های آغازین از مقالات اول الهیات شفا، نیز به فصل‌های آغازین کتاب‌های دیگر شفا مانند مدخل، مقولات، و طبیعیات. ابن سینا در آغاز هر کتاب و هر علمی، بخشی درخور توجه را به بحث در مورد موضوع، مبادی، پرسش‌ها، و دامنه آن علم اختصاص داده است. هم‌چنین، بنگرید به کتاب برتولاچی (۲۰۰۶) که نشان می‌دهد ابن سینا نخستین فیلسوف در پهنه تاریخ فلسفه است که به‌گونه‌ای نظام‌مند به مسئله علم و موضوع علم و مختصات آن، به‌ویژه در باب علم متافیزیک/الهیات، پرداخته است.

۱۳. بنگرید به بخش «از حیدرآباد تا همدان: پیشینه تصحیح دانش‌نامه علایی» از نوشته پیش‌رو.

کتاب‌نامه

ابن‌سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱ الف)، طبیعیات دانش‌نامه علایی، تصحیح، مقدمه، و تعلیقات سیدمحمد مشکوٰه، تهران: انجمن آثار ملی، [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳].

- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱ ب)، *الهیات دانش‌نامه علایی*، تصحیح، مقدمه، و تعلیقات محمد معین، تهران: انجمن آثار ملی، [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینا همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳].
- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱ ج)، *رسالة منطق دانش‌نامه علایی*، تصحیح، مقدمه، و تعلیقات محمد معین و سیدمحمد مشکوة، تهران: انجمن آثار ملی [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینا همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳].
- ابن سینا [منسوب] (۱۳۳۲)، *قراضة طبیعیات*، تصحیح، مقدمه، و تعلیقات غلام‌حسین صدیقی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ابن سینا (۱۹۶۰ م / ۱۳۸۰ ق)، *الشفاء، الالهیات*، دو جلد، تصحیح و مقدمه ابراهیم مدکور و دیگران، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.
- ابن سینا (۱۹۵۲ م / ۱۳۷۱ ق)، *الشفاء، المنطق، المدخل*، تصحیح و مقدمه ابراهیم مدکور و دیگران، قاهره: المطبعة الأميرية.
- ابن سینا (۱۹۵۹ م / ۱۳۷۸ ق)، *الشفاء، المنطق، المقولات*، تصحیح و مقدمه ابراهیم مدکور و دیگران، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.
- ابن سینا (۱۳۶۰)، *دانش‌نامه علایی، منطق و فلسفه اولی*، تصحیح و مقدمه: سیداحمد خراسانی، تهران: کتاب‌خانه فارابی (چاپ نخست، تهران: شرکت مطبوعات و چاپ، ۱۳۱۵).
- ابن سینا و دیگران (۱۳۷۱)، *سه رساله موسیقی در فارسی، موسیقی دانش‌نامه علایی*، موسیقی رسائل *اخوان الصفا، کنز التحف*، تصحیح و مقدمه تقی بینش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن سینا (۱۴۰۵ ق)، *الشفاء، طبیعیات، السماع الطبيعي*، تصحیح و مقدمه ابراهیم مدکور و سعید زاید، قم: منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۹۴)، *دانش‌نامه علایی، منطق، طبیعیات، موسیقی، الهیات*، تصحیح، مقدمه، و تعلیقات محمد معین، سیدمحمد مشکوة و تقی بینش، دیباچه منوچهر صدوقی سها. تهران: مولی.
- ابن سینا (۱۳۹۱)، *رسالة منطق دانش‌نامه علایی*، هم‌راه با *واژه‌نامه توصیفی*، متن و شرح از نواب مقربی، مقدمه قاسم پورحسن، تهران: صدرا.
- بهمینار بن مرزبان (۱۳۷۵)، *التحصیل*، تصحیح و مقدمه مرتضی مطهری، تهران: دانشگاه تهران.
- بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۵۱)، *کتاب التفهیم لأوائل صناعة التنجیم*، تصحیح و مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- الغزالی، حجة الاسلام أبی حامد (۲۰۰۰ / ۱۴۲۰ ق): *مقاصد الفلاسفة*، تصحیح: محمود بیجو، دمشق: مطبعة الصباح.

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست: ... (حنیف امین پیدختی) ۸۵

متینی، جلال (۱۳۴۴)، «هدایة المتعلمین فی الطب، قدیمی ترین کتاب طبی فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۱، ش ۱.

متینی، جلال (۱۳۵۱)، «درباره دانش نامه میسری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۳۱، ش ۳، پاییز.

متینی، جلال (۱۳۵۲)، «حدود ابتکار ابوریحان بیرونی در ساختن لغات علمی فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۳۵، ش ۳.

Avicenna (1955), *Le livre de science*, trans. Mohammad Achena and Henri Massé, Paris: Les Belles Lettres. [2nd, Rev. ed. 1986].

Avicenna (1971), *Avicenna's Treatise on Logic: Part One of Danesh-name Alai*. trans. Farhang Zabeeh, The Hague: Martin Nijhoff.

Avicenna (1973), *The Metaphysica of Avicenna: (ibn Sīnā), A critical translation-commentary and analysis of [...] the Dānīsh Nāma-i 'alā'ī*, by Parviz Morewedge, New York: Columbia University Press.

Avicenna (1988), *The Physics of Avicenna, a Translation and Commentary upon the Physics Proper of the "Tabiy'yyat" of Avicenna's "Danish Nana-i Alai" [sic.]*, by Jamila Jauhari, Ph.D. Dissertation, Fordham University.

Bertolacci, Amos (2006), *The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Šifā': A Milestone of Western Metaphysical Thought*, Leiden: Brill.

Gutas, Dimitri (2012), "Avicenna ii. Biography," in: *Encyclopædia Iranica*, III/1, <<http://www.iranicaonline.org/articles/avicenna-ii>>.

Gutas, Dimitri (2014), *Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works*, Leiden: Brill, 2nd Revised Edition.

Michot, Yahya (2014), "Avicenna, Bahmanyâr and the 'Ishârât'", Presented in London.

